

جایگاه حضرت زینب در روایات

<?xml encoding="UTF-8">

زنان بزرگ تاریخ اسلام، جایگاه ویژه ای نزد اهل بیت علیهم السلام دارند. من یک روایت عرض کنم که جواب گوی خیلی از سؤالات است؛ مرحوم شیخ بهائی می نویسد: دختر امیر مؤمنان علیه السلام متولد شد. حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها دختر را در دامن علی علیه السلام گذاشت و گفت: نام این نوزاد را بگذار. امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «والله من در نام گذاری فرزندانم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشی نمی گیرم»؛ پیغمبر در سفر بودند، دو روز بعد که آمدند، حضرت زهرا سلام الله علیها بچه را به بابا دادند؛ آن گاه پیغمبر فرمودند: «والله در نام گذاری خودت و بچه هایت بر خدا پیشی نگرفتم». جبرئیل وارد شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله لحظاتی با جبرئیل مشغول سخن شد و بعد از چندی پیغمبر صلی الله علیه و آله به فاطمه و علی علیه السلام رو کرده و گریه شدیدی نمودند و بعد چندین بار تکبیر گفتند. حضرت فاطمه سلام الله علیها می فرمایند: «به پدرم گفتم: بابا چرا تکبیر می گویی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خاطر نامی که خدا برای این دختر قرار داد»؛ و گفتند: «زین اب»، که بر اثر کثرت استعمال به «زینب» معروف شد.

البته همان جا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی، خودش زینت اهل دنیا است، اما این دختر به جایی می رسد که زینت پدر می شود».

حضرت زهرا سلام الله علیها سپس می پرسند: «بابا جان، اگر این است، برای چه گریه می کنی؟» حضرت فرمودند: «از خدا اجازه گرفتم که به او کنیه بدهم». فاطمه سلام الله علیها پرسید: «کنیه دخترمان چیست؟» پیغمبر در حالی که گریه می کرد، فرمود: «ام المصائب».

در ادبیات عرب، کسی که یک صفت عالی سرشار داشته باشد، آن صفت را به «أب» یا «ام» می آورند؛ مثلاً ام الامامه، ام الکرم و برای مردم بسیار قابل توجه است که زینب کبری، از سوی خدا و با تقریر رسول خدا به «ام المصائب» مکنات شده است.

یک قرینه بیاورم، در مورد حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله شعری داریم، که منسوب به حضرت است و همه نوشته اند:

صُبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبُ لَوْ أَنهَا

صُبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لِيَالِيَا؛

یعنی مصائبی بر من ریخت، اگر بر روز روشن آفتابی می ریخت، بلافاصله به شب تبدیل می شد. این منتهای مصائب بوده، که تازه درطول 70 یا 90 روز بر صدیقه زهرا سلام الله علیها وارد شد، زیرا با وجود این، از هیچ یک از مورخان نشنیده ایم که به حضرت زهرا سلام الله علیها ام المصائب بگویند. حالا ببینید چه بر سر زینب کبری آمده و چه مصائبی را تحمل کرده است که خدا و پیغمبر به او کنیه «ام المصائب» داده اند.

وقتی پیغمبر این را فرمود، حضرت زهرا سلام الله علیها به پیغمبر عرض کردند: «أبتا ما لِمَنْ بَكِيَ عَلَيْهَا وَ عَلَي مَصَائِبِهَا»؛ یعنی خدا چه مزدی می دهد به کسی که برای این زینب و مصائبش گریه کند؟

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ بَكَى عَلَيْهَا وَ عَلَي مَصَائِبِهَا كَانَ لَهُ أَجْرٌ مِنْ بَكَى عَلَى الْحَسَنِ وَ

الحسین»؛ کسی که بر زینب و مصیبتش گریه کند، برابر است با ثواب گریه بر امام حسن و امام حسین علیهم السلام؛ یعنی این جا گریه بر یک زن، مساوی با گریه بر دو مرد است، که «سیدا شباب اهل الجنة» هستند. کتاب های بسیاری هم درباره حضرت زینب سلام الله علیها تدوین شده و همان طور که درباره امام حسین علیه السلام کتاب های مختلفی نوشته شده است، در مورد حضرت زینب سلام الله علیها نیز کتاب های مختلفی وجود دارد؛ حتی اندیشمند مسیحی مصری درباره ایشان، کتاب نوشته است. یکی از نویسندگان تردست عرب، به نام «علی محمد علی دخیل» کتابی نوشته به نام «اعلام النساء»، یعنی «بزرگ زنان». کتاب هایش عموماً مفید است و درباره حضرت زینب سلام الله علیها هم کتابی نگاشته که انصافاً کتاب هایش در این باره غوغا می کند.

زینب کبری و نماز شب

یک روایت از حضرت سجاد علیه السلام نقل شده که نشان می دهد، حضرت زینب سلام الله علیها از دیدگاه ائمه علیهم السلام چه جور شخصیتی است. همین یک سخن را ببینید، چقدر ما را اشباع می کند! حضرت سجاد علیه السلام فرمودند: «عمتی زینب ما تَرکت تَهْجَدَها طولَ ذَهرِها حتّی لیلةِ حادی عشر من المَحَرَّم» «عمه جانم زینب در طول زندگی اش نماز شبش را ترک نکرد؛ حتی شب یازدهم مُحَرَّم»؛ یعنی حتی در وضعیت غم بار یازدهم محرم، که شب شام غریبان است.

چرا حضرت سجاد علیه السلام این قدر تأکید داشته است که گفته اند: شب یازدهم، نماز شب عمه اش زینب سلام الله علیها ترک نشد. علم امام سجاد علیه السلام به قدر فرش و عرش است. کتاب ها را نگاه کردم و با بزرگان هم صحبت کردم. در نوشتار یکی از بزرگان دیدم چیز عجیبی است در قدیم رسم بوده که وقتی جنگی بر پا می شده، در پایان جنگ، طرفی که جنگ را برده، خیمه ای برپا می کرد به نام «خیمه الجایزه»، و در آن به فرماندهان و قاتلان جایزه می دادند. عمر سعد غروب عاشورا این خیمه را تشکیل داد و به هرکسی که در جنگ کاری کرده بود. جایزه می داد. به یکی گفت: تو چه کردی؟ او گفت: من شریعه را بستم؛ به او جایزه داد، سپس به دیگری گفت تو چه کردی، پاسخ داد من دستان ابوالفضل را قطع کردم، دیگری گفت: سر مقدس امام حسین علیه السلام را بریدم؛ تا این که نوبت به حمله رسید. عمر سعد پرسید: تو چه کردی؟ حمله گفت: من کاری کردم که کسی در روزگار انجام نداده. گفت: من تیر به گلولی بچه شیرخوار تشنه کام و رنگ پریده ای که سرش روی شانه پدر بود، زدم. نقل کرده اند: عمر سعد بیش از همه به حمله جایزه داد.

زینب کبری هم همان شب، خیمه نیمه سوخته ای تشکیل داد، از پاره سوخته های خیمه ها یک فرش تشکیل داد و برای حضرت زین العابدین علیه السلام، که عصر روز عاشورا پردردترین روزهایش بود، متکایی از رمل و شن درست کرد.

امام سجاد علیه السلام می فرماید: عمه ام در طول شب با پای برهنه در آن بیابان، تک تک بچه ها را صدا زد و سرشماری نمود؛ در زیر خار مگیلان دو شبی را دید و جلوتر رفت و دید دو دختر دست به گردن هم، جان داده اند؛ به قول حجة الاسلام نیر تبریزی، رو کرد به مدینه و گفت:

صبا از من به زهرا گو بیا شام غریبان بین
که گریان دیده دشمن به حال زینب است امشب

یک نگاه هم به گودال قتلگاه امام حسین علیه السلام می کند و می گوید:

سرت مهمان خولی و تنت با ساریان همدم

مرا با هر دو اندر دل هزاران مطلب است امشب

آن وقت امام سجاد علیه السلام می فرماید: آن شب هم نماز شب زینب ترک نشد.

حضرت زینب سلام الله عليها وقتی به مجلس ابن زیاد وارد شدند، سلام نکردند. ابن زیاد گفت: «من هذه متکبره!» این زن متکبر کیست؟ امام سجاد علیه السلام می فرماید: «هذه عمتی زینب، اخت الحسین علیه السلام»؛ این عمه من زینب، خواهر حسین علیه السلام می باشد. برای این که ابن زیاد، جگر زینب را آتش بزند، گفت: دیدی خدا با برادرت چه کرد؟ حضرت زینب گفت: اگر خدا کرد، «ما رأیت الا جمیلا»؛ من چیزی جز زیبایی ندیدم؛ حضرت کاری کرد که دیگر سخن ابن زیاد در آن جلسه، نگرفت و خنثی شد. ایشان هم چنین خطبه ای نیز در دروازه کوفه بیان فرمودند و کاری کردند که مردمی که دم دروازه نو نوار کرده بودند و نُقل و شیرینی پخش می کردند و عید گرفته بودند، همه جامه هایشان را درآوردند و عزا به پا کردند. کسی برای ابن زیاد خبر آورد و گفت: تا چند دقیقه دیگر، همه علیه تو می شورند. پرسید: چرا؟ گفت: مگر نمی دانی که زینب وقتی سخن می گوید، گویا علی علیه السلام به زبان آمده است؟! بعد گفتند: برای این که زینب سلام الله عليها ساکت شود، سر حسین علیه السلام را جلویش ببرید؛ یعنی آن ها هم می دانستند که همه چیز زینب سلام الله عليها با حسین علیه السلام است.

عشق زینب و حسین، لدنی است

من در یکی از کتاب های قدیمی، روایتی دیدم که این دختر در دامن پیامبر و امام علی و فاطمه و حسن علیهم السلام گریه کرد و وقتی در بغل امام حسین چهارساله قرار گرفت، آرام شد؛ پیامبر صلی الله وعلیه وآله آن جا فرمودند: «این دختر همراه با این پسر خواهد بود» و شرط ازدواج و مهریه اش با عبدالله بن جعفر، نیز همراهی با حسین علیه السلام بوده و این که از او جدا نشود. خدا خواسته؛ یعنی خدا برای حفظ دین با اسباب و ابزار کار می کند. این خدایی که حسین علیه السلام را خلق کرد، یک زینبی را هم کنارش می گذارد.

یکی از فضیلات حوزه کتابی نوشته درباره صدیقه کبری که در آن کتاب، جمله قشنگی وجود دارد؛ می گوید: در حرکت و قیام انبیا، هرکدام که یک زن همراهشان بوده است، موفق بوده اند. من استنباط می کنم هر نهضت و قیامی که زنان شجاعی در کنار مردان بوده اند، آن انقلاب، شدنی و باقی ماندنی است و انقلاب ما هم این مسئله رابه وضوح نشان داد.

مضاربه حسین علیه السلام و زینب سلام الله عليها

بیننا و بین الله، نیازی به روایت هم نیست. آن چه از قیام و نهضت و خون صاحب این نهضت و وارث آن می دانیم، آن است که در 1370 سال قبل، در سرزمینی به نام «کربلا» و در روزی به نام «عاشورا»، آقا و خانمی، مضاربه ای را شروع کردند که سرمایه کار را آقا تقبل کرد و خب خانم هم با آن سرمایه کار کرد. اگر حضرت زینب سلام الله عليها در دوران اسارت، آن عظمت را از خود نشان نمی داد و آن سخنرانی ها را نمی کرد و آن تقابل ها را با یزید و ابن زیاد نداشت و به یزیدیان نمی گفت: «شما با همه سعی و تلاشتان نمی توانید نام و دین ما را محو

کنید»، این میراث بزرگ به دست ما نمی‌رسید.

آقای چایچیان (حسان) چه زیبا درباره بی بی حضرت زینب سلام الله عليها از زبان امام حسین علیه السلام گفته اند:

دل مرده را محبت من زنده دل کند
دل را اگر ز الفت شیطان بجل کند
قلب شکسته ام شده منزل گه خدا
سازنده دل آمده تعمیر دل کند
آن ره رویی که دور شود از حریم من
با دست خویش کشتی دل را به گل کند
شرمنده عالمی بود از لطف و مهر من
اما مرا محبت زینب خجل کند

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «خدا حق عمه ام زینب را بر ما و شیعیان ما حلال بگرداند!»

در زوایای کربلا وقایع عجیبی نهفته است؛ این که حضرت، مجلس یزید را به هم ریخت و ساریان ها را منفعل می کرد و مجلس ابن زیاد را ماتم سرا کرد و... می گویند: اهل بیت علیهم السلام به مدت یک هفته در سرزمین شام بودند. مردم شام بچه ها را نو نوار می کردند و شیرینی به دست آن ها می دادند. بعد ما در تاریخ می بینیم که حضرت زینب سلام الله عليها طوری عمل می کردند که بچه ها با دیدن کودکان شامی و شادی آن ها، غم و غصه شان تازه نشود. در عین حال حضرت، نماز شب و نماز اول وقتش ترک نمی شد.

زینب، شاگرد مکتب فاطمه زهرا سلام الله عليها

وقتی درست بنگریم، می بینیم شخصیت حضرت زینب سلام الله عليها، مثل حضرت زهرا سلام الله عليها است. در تاریخ آمده است: حضرت زهرا سلام الله عليها در مدینه، برای رهبر و امامش جان فشانی کرد و در دفاع از حق مولا، آن خطابه ها را داشت؛ حضرت زینب نیز در کوفه و شام این گونه سخن می گفت؛ گو این که حضرت علی علیه السلام لب به سخن گشوده است.

مصیبت های حضرت در حالی است که این ها مختار بودند، اما به مشیت الهی راضی بودند.

در خطبه ای که حضرت زینب سلام الله عليها در دروازه کوفه بیان کردند، کار به جایی رسید که حضرت سجاد علیه السلام برای عمه شان احساس خطر کردند. ببینید یک وقت کسی را به جایی دعوت می کنند، که همه چیز برای او آماده است، اما یک وقت زینب در جایی سخن می گوید که کوفیان لباس نو پوشیده، شهر را چراغانی کرده و آمده اند به هم تبریک بگویند، نه این که سخنرانی یک زن کتک خورده را بشنوند. بعد حضرت با توجه به چنین فضا و شرایطی سخنرانی می کند، که در همان جا چنان تحولی بر مردم کوفه عارض شد که حتی نزدیک بود بر ابن زیاد بشورند و حضرت سجاد علیه السلام در آن جا، در حالی که بر جان عمه اش می ترسید، فرمود: «عَمَّتِي زَيْنَبُ أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ وَ فَهْمَةٌ غَيْرُ مُفْهَمَةٍ»؛

برخی این را دلیل بر عصمت زینب کبری گرفته اند؛ یعنی همان علم لدنی. برخی معتقدند که علم لدنی را خدا به معصومین عطا می کند. در جاهای دیگری هم سخنانی گفته شده، که دلیل بر همین معناست.

حضرت زینب سلام الله علیها عقیله بنی هاشم است. عقیل از عقل می آید؛ یعنی علاوه بر جرئت، جسارت و شجاعتی که در حضرت بوده، عاقل ترین زنان اهل بیت عصمت علیهم السلام و حتی عاقل بنی هاشم بوده است.

زینب و کرسی تدریس برای بانوان

حضرت زینب در زمان خلافت امیرمؤمنان در کوفه برای خانم ها کلاس درس و احکام دینی می گذاشتند. حضرت امیر علیه السلام برای حضرت زینب، احترام بسیاری قائل بودند؛ وقتی اهل بیت علیهم السلام می خواستند به زیارت مرقد پیامبر صلی الله علیه وآله بروند، امام علی علیه السلام جلوتر می رفتند، تا راه را باز کنند و حسنین علیهم السلام اطراف حضرت زینب سلام الله علیها را می گرفتند و امیرمؤمنان قندیل هایی که در حرم پیامبر صلی الله علیه وآله روشن بود را خاموش می کردند تا کسی قد و قامت حضرت زینب سلام الله علیها را مشاهده نکند. آن وقت با این همه جلال و عظمت، شما ببینید حضرت در کربلا چه مصائبی را تحمل کردند!

حضرت زینب برای زنان تفسیر قرآن می گفتند. امیرالمؤمنین علیه السلام هم بعضی تفاسیر را گوش می کردند؛ مثلاً در تاریخ آمده که حضرت زینب سلام الله علیها قرآن را تفسیر می کردند، تا رسیدند به آیه «کهیعص». حضرت آیه مذکور را این گونه تفسیر کردند: کاف یعنی کربلا، «ها» یعنی هلاکت، «یا» یعنی یزید، «عین» یعنی عترت و «صاد» یعنی صبر؛ یعنی زینب کبری به زن های کوفه خط می دادند. در این جا امیرالمؤمنین علیه السلام صورت زینب را بوسیده و فرمودند: «حق آیه را ادا کردی».

به نظر من هنوز هم حق حضرت زینب ادا نشده و این ها از جامعه ما مخفی مانده است. از شب یازدهم محرم به بعد، ایام متعلق به حضرت زینب سلام الله علیها است؛ و در این ایام باید از زندگی حضرت برای خانم ها کلاس همسرداری بگذاریم و این که همواره زنان باید از شوهران خود اجازه بگیرند. حضرت خودشان این گونه بودند؛ حتی در مسئله کربلا از همسرشان، عبدالله بن جعفر، اجازه گرفتند؛ با این که علاقه شدیدی به امام حسین علیه السلام داشتند، اما از شوهر خود برای سفر اجازه گرفته و فرمودند: یا به من اجازه بده، یا مرا طلاق بده! من بدون حسین نمی توانم زندگی کنم.

در خصوص علاقه وصف ناپذیر زینب کبری به سیدالشهدا علیه السلام، از زبان مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی نقل شده، که بعد از عروسی حضرت زینب با عبدالله بن جعفر، آن حضرت یک شبانه روز امام حسین علیه السلام را ندیده بود؛ چادر بر سر کرده و آماده ملاقات با برادر شده بود. برای زینب، حتی آن یک شبانه روز هم دوری از امام حسین علیه السلام، بسیار سخت بوده است. پس از این که می خواهد به دیدار برادر برود، به ایشان خبر می دهند که امام حسین علیه السلام خودشان به دیدار شما می آیند. زینب کبری سلام الله علیها از فرط خستگی بر سکوی خانه و جلوی آفتاب به خواب می رود، تا این که امام حسین علیه السلام سر می رسند، اما زینب را بیدار نمی کنند، بلکه قبای خود را سایه بان خواهر می نمایند، تا حضرت زینب بیدار نشوند. حضرت زینب سلام الله علیها که از خواب بر می خیزند، از برادر می پرسند: چرا من را بیدار نکردید امام حسین علیه السلام می فرمایند: دلم نیامد. بعد خانم گفتند: این کار را باید یک روز جبران کنم. و این جبران به عصر عاشورا کشید که زینب کبری با نیمی از چادر خود، نیمی از بدن عریان سید الشهدا علیه السلام را در گودال قتلگاه

